

بررسی و نقد توجیه علمی اعجاز قرآن

محمد حسین برومند

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

چکیده:

وجود طرفداران و مخالفانی سرسخت پیرامون توجیه علمی اعجاز قرآن، بررسی این موضوع را ضرورتی دو چندان می‌بخشد. از این رو هدف اصلی این مقاله، دستیابی به راه‌حلی قطعی با تکیه بر «واقعیت خارجی قرآن» در این زمینه است. برای وصول به این هدف، ابتدا با طرح مقدمه‌ای به ذکر دلایل دو طرف و افراطها و تفریطها پرداخته شده، سپس امکان توجیه علمی و بررسی نظری رابطه قرآن و علوم تجربی به حصر عقلی با توجه به تمایز فرضیه و قانون از یک طرف و احتمال و قطعیت در دلالت الفاظ قرآن از طرف دیگر مورد بررسی قرار گرفته و عنوان شده است که اگر دلالت الفاظ قرآن بر یک موضوع، قطعی بوده و این موضوع از نظر علمی هم به اثبات رسیده باشد، توجیه علمی قرآن نه تنها جایز که امری پسندیده و مطلوب است. ضمن اینکه با اشاره به قراین لفظی یا عقلی، فلسفه وجودی لفافه‌های بیانی در قرآن نیز روشن می‌شود.

کلید واژه‌ها: اعجاز، علم، قرآن، حقانیت، کیهان، لفافه‌های بیانی.

مقدمه

ریشه امتیاز قرآن در میان کتابهای بی شمار دیگری که عمر انسان کفاف بررسی عمیق و همه جانبه آنها را نمی‌دهد، این است که گفته می‌شود کتابی است غیر بشری و از سوی پدیده آورنده انسان و جهان. وجود این احتمال کافی است تا یک محقق موقتاً از توجه به سایر پژوهشهای انسانی چشم‌پوشد و تحقیق درباره قرآن را بر کارهای دیگر مقدم دارد. همین که به قرآن روی می‌آوریم، قبل از هرگونه بررسی، مسأله حقانیت آن جلب

توجه می‌کند و در اثبات این امر روشن می‌شود که اغلب کسانی که در صدد تبیین حقانیت آن برآمده‌اند، عمل اعجاز را برای مدعیان رسالت لازم دانسته‌اند. این امر موجب پیدایش مباحث لغوی و اصطلاحی اعجاز و نیز چگونگی دلالت تحقق اعجاز قرآن بر حقانیت آن و سعی در ریشه‌یابی اعجاز قرآن شده است که از این میان بحث ریشه‌یابی سهمی ویژه دارد. در زمینه اثبات اعجاز قرآن دلایل زیادی عرضه شده است، از قبیل خبر دادن از غیب، نظریه صرفه، جنبه‌های ادبی و روانشناسی قرآن و... با توجه به جو علمی حاکم بر جهان امروز و کاربرد بعد علمی قرآن در عصر جدید، می‌توان از نقد و بررسی توجیه جنبه‌های علمی اعجاز قرآن به عنوان یک ضرورت نام برد.

۱- مقدمه‌ای بر توجیه علمی

۱-۱- آشنایی اجمالی، نزاع حامیان و مخالفان

منظور از توجیه علمی اعجاز قرآن در اینجا، اثبات عدم امکان ارائه مثل آن است با تکیه بر هماهنگی قرآن و علوم بشری.^۱ رشد دانش بشری با شناخت پدیده‌ها^۲ و تجزیه^۳ و ترکیب^۴ آنها از رهگذر ارائه فرضیه‌های^۵ تازه و آزمایشهای^۶ مکرر در بررسی صادق بودن یا نبودن آن فرضیات فراهم می‌گردد و این تجربه‌های^۷ پی‌درپی نیاز به مرور زمان و تکامل ابزار آزمایش دارد (سیاسی، ۸۲؛ شاله، ۱۱۲) و فی‌المثل امکان نداشته آنچه را امروزه پس از آزمایشهای فراوان و تفکر مستمر به عنوان محصول علوم شاهد هستیم، مؤلفی در هزار سال قبل به ثبت رسانده و از آن سخن بگوید بلکه آرای او تحت تأثیر علم زمان خود بوده و اگر بر فرض از نوآوران عصر خود نیز به شمار رود، دامنه افکار و اندیشه‌هایش حداکثر، قدری فراتر از آرای دانشمندان آن روزگار خواهد بود و در حالات استثنایی که این تفاوت بیشتر به نظر می‌رسد، باز همه جانبه نیست و معمولاً توأم با بعضی اشتباهات است. به ویژه اگر کتابی در زمینه‌های گوناگون علمی به اظهار نظر پرداخته باشد، انتظار می‌رود با گذشت زمان بسیاری از نظریاتش

1. Knowledge, Science

2. phenomenon

3. analyze= analyse

4. synthesis

5. hypothesis

6. experiment

7. experience

مورد ابطال قرار گیرد و چنانچه به عصر غلبه خرافات (ترابی، ۱۴۰) تعلق داشته باشد، ردپای آرای خاص آن ادوار در لابلای مطالب آن مشاهده گردد (ترابی، ۱۴۰) زیرا در آن روزگار به دلیل ضعف ابزار آزمایش، صاحب نظران از بسیاری مشاهدات محروم بوده‌اند و چون برای یافتن حقایق تازه راهی جز تجربه نداشته‌اند، امکان محک زدن فرضیه‌ها همواره فراهم نبوده است. طبعاً در عصر شکوفایی و بلوغ نسبی دانش، اگر گاهی یک تئوری^۱ توانسته باشد از شمشیر مشاهده،^۲ جان سالم بدر ببرد، اما در موارد بسیاری این امر میسر نشده و امواج خروشان مشاهدات تازه، آنها را بلعیده است. به این ترتیب اگر با کتابی مواجه گردیم که در عین گستردگی مطالب و تنوع رابطه‌اش با افق‌های گوناگون دانش، نه تنها از رونق آن کاسته نشود بلکه در پیشاپیش دانش روز در حرکت باشد، چنین کتابی مثل و مانند نخواهد داشت و نمی‌توان آن را در شمار نوشته‌های معمول بشری به حساب آورد. داعیان توجیه علمی بر این اعتقادند که قرآن مصداق بارز چنین کتابی است. در نقطه مقابل، گروهی از صاحب نظران از سر دلسوزی به این امر اعتراض کرده و شأن قرآن را فراتر از آن دانسته‌اند که با علوم ناپایدار و دستخوش تغییر و تحول، مقایسه شود زیرا اولاً قرآن کتاب فیزیک و شیمی نیست بلکه کتابی است که برای هدایت انسان آمده است، ثانیاً بنیان این گونه استنباطها با گذشت زمان و فروپاشی آرای علمی فرو می‌ریزد.

چنانکه پیداست نظریه توجیه علمی اعجاز قرآن طرفداران و مخالفانی سرسخت دارد و شاید هر دو گروه^۳ بیش از آنکه «واقعیت خارجی قرآن» را در نظر بگیرند، تحت تأثیر انگیزه‌ها و انتظارات خویش از این کتاب باشند و به هر حال تحقیق در این باره را باید از رابطه قرآن و علوم تجربی آغاز نمود.

اگر طرفداران توجیه علمی تا صبح قیامت به دفاع از آن ادامه دهند ولی قرآن از چنان

1. theory

2. observation

۳. این دو [گروه] گرچه از لحاظ اندیشه متفاوتند ولی در شیوه واحدند زیرا هر دو، قرآن را بر مفاهیم خاصی تطبیق کرده‌اند که نمی‌توان دلیل و حجت قانع کننده‌ای بر آن اقامه کرد، پایه این تطبیق‌ها ذوق، گمان و آرمان فردی و گروهی است نه فهم حقیقت قرآن (کیهان اندیشه، ۵۸).

پیوندی با این توجیهات برخوردار نبوده و اصولاً با یافته‌های علمی، بیگانه باشد، برای جوامع انسانی، جز میوه‌ای پوک چه ثمره‌ای به بار خواهند آورد و این گونه پل‌های ارتباطی تا کی دوام خواهد داشت؟ کما اینکه اگر مخالفان این نظریه، بر عقیده خود پافشاری کنند و در اشتباه باشند، جز محروم ساختن اهل زمین به ویژه بیگانگان با قرآن، چه طرفی بر بسته‌اند و در این صورت آیا در قالب دوستی، به این کتاب و مردم جهان خیانت نکرده‌اند؟

۱-۲- کتاب هدایت انسان یا کتاب علوم تجربی

کسانی (شلتوت، مقدمه) که می‌گویند قرآن کتاب فیزیک و شیمی نیست، بلکه هدایت است باید توجه داشته باشند که رابطه مورد استفاده در توجیه علمی بین قرآن و علم تنها مایه تبدیل جنبه هدایتی آن به مباحث تجربی نیست، بلکه دقیقاً در راستای هدایت است، آن هم با بهترین شیوه ممکن زیرا در عصر شکوفایی و بلوغ نسبی علم، نزدیک‌ترین راه برای اثبات حقانیت قرآن برای اهل زمان به ویژه دانشمندان و محققان علوم تجربی این است که ببینند حقایقی در آن به ودیعه نهاده شده که به هیچ وجه امکان فهم و اشاره به آن در ۱۴۰۰ سال پیش برای بشر فراهم نبوده است، به بیان دیگر اگر در روزگار غلبه سحر و ساحری، پدیده‌ای مثل تبدیل چوبدستی به اژدهایی مهیب رخ دهد و ساحران بهتر از دیگران دریابند که آن کار، کاری بشری نیست و اگر در عصر پیشرفت طب قدیم، مردگان زنده می‌شوند تا همه به ویژه خود اطباء دریابند امری غیر بشری است و اگر در زمان شکوفایی نبوغ ادبی، جلوه ادبی یک کتاب، عهده دار هدایت مردم به ویژه ادیبان در شناخت حقانیت آن می‌گردد تا از رهگذر تسلیم ساحران، اطباء و ادباء بر سایر اهل زمان نیز اتمام حجت شود، طبعاً می‌توان انتظار داشت که برای عصر اکتشافات همه جانبه علمی و جهان دانش، بعد علمی آن کتاب به همین معنی، نقش اصلی را ایفاء نماید بدون اینکه سایر جنبه‌ها، نفی گردد.

این تذکر متوجه افرادی از قبیل شیخ محمود شلتوت^۱ است. وی اعتقاد دارد که قرآن

۱. محمود شلتوت (۱۸۹۳-۱۹۶۳)، مفتی اعظم مصر و رئیس دانشگاه الازهر و از مفسران مصری است.

برای ارائه نظریات علمی نازل نشده است و اگر می‌بینیم در بعضی آیات به اسرار طبیعت پرداخته، برای آن است که از رهگذر تحقیق در آن مسائل بر ایمان مردم افزوده شود، افزون بر این، اگر ما قرآن را با فرضیه‌های ناپایدار علمی مطابقت دهیم، به تدریج همراه با دگرگونی آن فرضیه‌ها، آراء ما نیز دستخوش تغییر و تحول قرار خواهد گرفت (شلتوت، تفسیر القرآن الکریم، مقدمه).

گویی جهان علم در فرضیه‌های ناپایدار خلاصه می‌شود و هیچ امر قطعی علمی وجود ندارد و انگار واقعیت خارجی خود قرآن ملاک نیست و این امر به دلخواه ماست که اگر مایل بودیم به مطابقت قرآن با مسائل علمی پردازیم و اگر مایل نبودیم صرف نظر نماییم. بر فرض اگر آیه‌ای از قرآن با یک فرضیه علمی باطل شده، مطابق بود، آیا می‌توانستیم تغییرش دهیم؟

از این گذشته، اگر فایده اشاره به اسرار طبیعت در قرآن، از نظر شیخ شلتوت ازدیاد ایمان مردم باشد، به این معنی است که مردم آثار علم و قدرت خداوند را با وضوح و تفصیل بیشتری مشاهده می‌کنند و بیشتر به او ایمان می‌آورند، یعنی با وجود آنکه این گونه امور صرفاً علمی است ولی برای فرد مؤمن که همه چیز را آثار خلقت خداوند می‌داند، کاربرد ایمانی هم خواهد داشت. چرا شلتوت و همفکران او متوجه نیستند که تأثیر هدایتی و ایمانی مطابقت آیات قرآن و یافته‌های قطعی علمی بسیار نیرومندتر از آن است، زیرا نه تنها مایه تقویت اعتقاد مؤمن خواهد بود بلکه بر کسانی که لائیک بوده و به هیچ آئینی معتقد نیستند نیز اتمام حجت می‌کند و در این حالت، تنها موضوع ایمان بیشتر به علم و قدرت خداوند مطرح نیست بلکه ایمان به کتاب و فرستاده، و تمام آئین مورد نظر او از تبعات شناخت اعجاز علمی خواهد بود و آثار آن با هدف مورد نظر شلتوت و همفکرانش قابل مقایسه نیست.



وی دارای سبک و سیاقی مستقل و متفاوت از محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۲۳ ق) است یعنی در برابر گرایش علمی - عقلی عبده گرایش سنتی - نقلی بارزی دارد. از آثار او است الی القرآن الکریم، من هدی القرآن و تفسیر القرآن الکریم، الاجزاء العشرة الاولى (نک: خرمشاهی، ۳۰).

بوکای^{۲۱} از کسانی است که گرچه هدف قرآن را بیان پدیده‌های طبیعت نمی‌داند و هدفی مشابه آنچه مورد نظر شلتوت بود برای آن قائل است اما در عین حال عمیقاً تحت تأثیر آیاتی از قرآن قرار گرفته که ۱۴۰۰ سال پیش به یافته‌های امروزی علم بشری اشاره نموده است، بوکای (ص ۲۲، ۵۱) می‌گوید: «همانطور که بعداً در این بخش کتاب ملاحظه خواهید کرد، امر مهم و اصلی این است که قرآن که همواره مردم را به فراگیری و گسترش دانش فرا می‌خواند مشتمل بر نظرات متعددی درباره پدیده‌های طبیعی با تفصیلات تبیینی است که کاملاً با داده‌های دانش نو موافق می‌آیند. آنچه توجه کسی را که برای اولین بار با چنین متنی مواجه می‌گردد، بیشتر جلب می‌کند. فراوانی موضوعات مطروحه است و نیز از خطاهای عظیمی که در عهدین وجود دارد، در اینجا اثری نیافتم. این امر مرا ناگزیر کرد از خود بپرسم اگر قرآن ساخته یک انسان می‌بود چطور می‌توانسته در قرن هفتم میلادی چیزی بنویسد که امروزه با شناختهای دانش نو موافق آید؟ نخستین هدفم قرائت قرآن و مطالعه نص آن، عبارت به عبارت، به کمک تفاسیر مختلف برای بررسی انتقادی بود و این کار را با اعمال دقت خاصی درباره توصیفی که از تعداد کثیری از پدیده‌های طبیعی می‌کند، شروع کردم. دقت و صحت پاره‌ای تفصیلات کتاب فقط در متن اصلی قابل درکند و مطابقت آنها با یافته‌های عصر کنونی مرا تحت تأثیر قرار داد و لاجرم مردی از عصر محمد (ص) نمی‌توانست کمترین ایده‌ای از آن مطالب داشته باشد. سپس به مطالعه چند کتاب که مؤلفان مسلمان به نظرگاههای علمی متن قرآن تخصیص داده بودند، پرداختم که مبانی ارزشیابی بسیار سودمندی برایم فراهم آورد. به خوبی ثابت شده که دربرهه زمانی وحی اسلامی که حدود ۲۰ سال طول کشیده، شناختهای علمی آن زمان، در مرحله رکود بود. دوره فعال تمدن اسلامی با جهش علمی که همراه آن بود، بعد از پایان وحی اسلامی واقع شده است. باید بپذیریم که برای فهم آیات قرآنی، تنها معلومات عمیق زیانسناسی کافی نیست بلکه علاوه بر آن باید واجد اطلاعات علمی بسیار متنوع نیز بود. چنین بررسی با چند دانش مرتبط است که خود دائره‌المعارفی خواهد بود. حین ملاحظه تدریجی مطالب مطروحه، به تنوع

1. Maurice Bucaille

2. *La Bible, Le Coran et Science*

شناخت‌های علمی که برای درک معنی برخی آیات قرآن لازم است پی خواهید برد. با این وصف، قرآن کتابی نیست که هدفش تقریر برخی قوانین حاکم بر جهان باشد بلکه هدف دینی اساسی دارد به ویژه در مورد توصیف‌های قدرت مطلقه خداوند که در آنها انسانها به تفکر درباره قدرت آفرینش فرا خوانده شده‌اند. این دعوت به تفکر با اشاره به نمودهای در دسترس یا با قوانین بیان شده از جانب خداوند که بر سازمان جهان حکومت می‌کند، همراهند. فهم بخشی از این مصرحات آسان است اما معنی بخش دیگری را جز با داشتن شناخت‌های علمی لازم نمی‌توان درک کرد. به این بیان که انسان قرون گذشته نمی‌توانست جز معنی ظاهری آنها را دریابد و این امر در برخی حالات، او را به نتیجه گیریهای غلطی که معلول ناکافی بودن دانشش در آن زمان بود، کشانده است (همو، ۱۷۳-۱۷۴).

به طور کلی ملاحظه می‌شود که بوکای به رابطه‌ای بسیار گسترده و هماهنگ بین قرآن و علوم تجربی در مرحله بلوغ خود معتقد است و اگر چه همانند شلتوت به نقش چنین آیاتی در دعوت به تفکر و شناخت خداوند توجه دارد اما هرگز مثل او از تطبیق آنها با قوانین قطعی علمی و نمودهای مورد مشاهده، روگردان نیست و خود او از جمله کسانی است که درست به همین دلیل به غیر بشری بودن قرآن اذعان نموده است. وی می‌گوید: «این نظرگاه‌های علمی بسیار ویژه قرآن، در آغاز موجب شگفتی ژرف من شد زیرا تا آن وقت نمی‌توانستم تصور کنم بتوان در متنی که بیش از ۱۳ قرن پیش نگاشته شده است، این قدر تأییدات راجع به موضوعهای بی‌نهایت متنوع و کاملاً سازگار با شناخت‌های دانش نو کشف نمود. کدام توجیه بشری را می‌توان برای این واقعیت قائل شد؟ به عقیده من هیچ توجیهی وجود ندارد که ما را متقاعد کند که یکی از ساکنان شبه جزیره عربستان توانسته باشد، موقعی که پادشاه داگو بر در فرانسه سلطنت می‌نمود، به حدی اطلاعات داشته که برای پاره‌ای از موضوع‌ها ده قرن از معلومات ما پیشرفته‌تر باشد، وجود ندارد» (همو، ۱۷۲-۱۷۳).

جالب است که این مؤلف گرچه خود به توجیه علمی اقدام نموده و عمیقاً از آن تأثیر پذیرفته است، باز هنگام بیان هدف قرآن از ارائه آیات مذکور، به این امر که به مراتب هدفی عالی‌تر و نتیجه بخش‌تر به نظر می‌رسد تصریح نمی‌کند، انگار متوجه نیست که

تعمدی در کار بوده و تعبیه چنین آیاتی، کاملاً حساب شده است. گویی که هدف اصلی قرآن، صرفاً ذکر پاره‌ای مصادیق علم و قدرت خداوند بوده و از رهگذر چنین هدفی بعضی فواید فرعی نیز پدیدار گردیده است یعنی این تطابق قرآن و علوم تجربی از تبعات آن هدف به شمار می‌رود و بر حسب تصادف زمینه توجیه علمی فراهم آمده است، در حالی که آثار چنان هدفی در مقایسه با آثار توجیه علمی، چندان فروغی ندارد و هدفی فرعی محسوب می‌گردد.

از نکات قابل اعتنایی که مورد توجه بوکای قرار گرفته و بسیار بر آن تأکید دارد، علاوه بر تنوع مطالب و گستردگی موضوعات قرآنی، خالی بودن قرآن از هر گونه اشتباه علمی است، به عبارت دیگر نه تنها توافق مطالب یاد شده با دانش پیشرفته بشری به خودی خود شگفت آور است بلکه گستردگی دامنه آنها بر این شگفتی می‌افزاید و با در نظر گرفتن شرایط علمی و اجتماعی مؤلف قرآن همراه با مصونیت او از کمترین اشتباه، احتمال بشری بودن کتاب او به صفر می‌رسد.

وی (ص ۲۱۱) می‌گوید: «نه تنها آنچه قرآن در بر دارد واجد اهمیت است بلکه آنچه را که قرآن شاملش نیست باید مورد توجه قرار داد. فی الواقع، قرآن حاوی تئوری‌های مورد توجه آن عصر درباره سازمان جهان که علم، عدم صحت آنها را بعدها ثابت کرده باشد، نیست.»

۱-۳- جستجوی همه پدیده‌های علمی در قرآن

لازمه توجیه علمی اعجاز، چنانکه پیداست، اشاره به کلیه پدیده‌های کشف شده و کشف نشده نیست بلکه با فرض تعمد در این باره اگر برای هر دوره زمانی، متناسب با پیشرفت‌های خاص آن دوره در زمینه‌های گوناگون، نمونه یا نمونه‌هایی گوشزد شود کافی خواهد بود. کسانی که در این باره راه افراط پیموده‌اند باید بر مدعای خود دلیل آورند که اصولاً عملی نیست. چگونه ممکن است آن همه اکتشافات تازه در افق‌های گوناگون دانش را در یک کتاب گنجانند و چه کسی در توان خود می‌بیند آنها را شناسایی نماید؟ شاید بتوان به عنوان نمونه‌ای بارز در این گونه بینش، از تفسیری که طنطاوی^۱ بر

۱. الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، المشتمل علی عجایب بدائع المکنونات و غرایب الآیات الباهرات.

قرآن نوشته است یاد نمود. تفسیر سید احمد خان هندی^۱ نیز از همین قبیل است. طنطاوی در تفسیر خود، علم نجوم و آسترو فیزیک و زیست‌شناسی و علم شناسایی عناصر رادیواکتیو و صنعت استخراج فلزات از معادن و ذوب آنها را در قرآن می‌بیند. او در تفسیر خود اظهار می‌کند که بیم دارد عمرش وفا نکند تا اینکه بتواند نشان دهد که تمام علوم و اختراعات صنعتی نوع بشر در قرآن هست و آن اندازه که تا امروز نشان داده نمونه‌ای است که نشان می‌دهد قرآن، همه چیز را پیش بینی و پیشگویی کرده است». بله در برابر چنین افراط کاری‌ها جا دارد گفته شود قرآن کتاب فیزیک و شیمی نیست و به نظر می‌رسد یکی از دلایل برآشفتن شدن صاحب نظران مخالف توجیه علمی در این زمینه همین طرز تلقی از قرآن بوده باشد. اگر چه در نقطه مقابل، اصرار ایشان بر ریشه کن کردن توجیه علمی به طور کلی، بدون توجه به واقعیت‌های خارجی صورت گرفته و به نوبه خود می‌تواند در معرض ایراد باشد.

۱-۴- نقش صلاحیت علمی در برقراری پل‌های ارتباطی

پس از رنسانس و به دنبال اهمیت فراوانی که در غرب به علوم تجربی داده شد، پیشرفت قابل توجهی از لحاظ فنی و صنعتی حاصل شد که آثار آن، کشورهای ظاهراً اسلامی را نیز که خود روزگاری الگوی تمدن جهانیان بودند، تحت الشعاع خویش قرار داد. از آن جمله، اکتشافات جدید باعث می‌شد بعضی از مسلمانان بدون اطلاع کافی از علوم نوین، همین که می‌شنیدند فلان کشف علمی صورت پذیرفته، برای آنکه از قافله عقب نمانند با یک موضوع کاملاً انفعالی و با توجیحات بی اساس آیه‌ای را برگزیده و در صدد برمی‌آمدند تا نشان دهند که قرآن قبلاً به آن پدیده اشاره کرده است.^۲ به ویژه کسانی که نه تنها با مسائل علمی عمیقاً بیگانه بودند بلکه درک درستی حتی از ظاهر آیات نداشتند، با اقدام به برقراری چنین پل‌های ارتباطی در خور هر گونه سرزنش و

۱. تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی.

۲. برای آشنای با نمونه‌ها، نک: قرآن و علوم طبیعت، تألیف مهدی گلشنی، و نیز رسالت قرآن در عصر فضا، تألیف سید عبدالرضا حجازی.

اعتراض بوده‌اند و بر فرض اطلاع از دلالت آیات و آشنایی با زبان، باز هرگز صلاحیت این گونه اظهار نظرها را نداشته‌اند. در بعضی موارد نیز که به نظر می‌رسیده شخصی واجد شرایط لازم در نشان دادن پل‌های ارتباطی باشد، گاهی جانب افراط را گرفته و گاهی هم عملاً در نشان دادن مصادیق قابل قبول، ناموفق بوده است.^۱

۱-۵- تفاوت فرضیه‌ها با قوانین علمی و نمودهای مورد مشاهده

۱-۵-۱- تحلیلی از موريس بوکای

اینکه مخالفان توجیه علمی تکیه بر علم را مطلقاً نامطمئن قلمداد نموده‌اند، به نظر می‌رسد ناشی از بی‌توجهی به تفاوت بارز فرضیه‌ها با قوانین علمی و نمودهای قابل مشاهده باشد. موريس بوکای (ص ۴۳) این نکته را مورد توجه قرار داده و می‌گوید: «کسانی که از قبول دخالت دانش در ارزشیابی نوشته‌ها رو‌تُرش می‌کنند، از اینکه علم بتواند وجه مقایسه ارزشمندی فراهم نماید، سرباز می‌زنند و این مطلب را پیش می‌کشند که علم با گذشت زمان متغیر بوده و امر مقبول شاید بعدها مطرود گردد. تذکار فوق مستلزم توضیح زیر است: باید تئوری علمی را از نمودی که با کنترل تام مورد مشاهده قرار می‌گیرد، تمیز داد. تئوری برای بیان یک پدیده یا مجموع پدیده‌هایی که درک آنها مشکل است به کار می‌رود. در بیشتر حالات، تئوری متغیر است و هنگامی که ترقی علمی، تحلیل بهتر نمودها را مجاز می‌سازد، در خور دگرگونی یا جانشین شدن توسط تئوری دیگر می‌شود، اما نمود مورد مشاهده که از طریق تجربی، واریسی و محقق شده، تغییرپذیر نیست. می‌توان خواص آن را بهتر تعریف کرد ولی آنچه بوده، باقی می‌ماند. این واقعیت که زمین دور خورشید می‌گردد و ماه دور زمین، مورد تجدید نظر قرار نخواهد گرفت، حداکثر در آینده خواهند توانست مدارها را بهتر تعریف نمایند. همین ملاحظه صفت متغیر تئوری‌هاست که فی‌المثل مرا از توجه به آیه‌ای از قرآن که فیزیکدان مسلمانی آنرا اعلام‌کننده ضد ماده می‌دانست، منصرف نمود. بالعکس می‌توان با کمال حقانیت به آیه‌ای از قرآن (انبیاء / ۳۰) مشعر بر اینکه اصل زندگی از آب

۱. از جمله می‌توان به آیات من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، تألیف جمال الدین حسین مهران، و نیز قرآن و پدیده‌های طبیعت از دید دانش امروز، تألیف یحیی نظیری اشاره کرد.

است، توجه تام نمود، گو اینکه هرگز نمی‌توان این امر را تحقیق کرد ولی دلایل متعددی به نفع آن عرض اندام می‌کند. اما در مورد نمودهای مورد مشاهده مانند تکامل جنین انسانی می‌توان مراحل مختلف مشروح در قرآن را با داده‌های جنین‌شناسی جدید به طور کامل مواجهه داد و توافق مطلق آیات مربوطه را با دانش نو کشف نمود.^۱

۱-۵-۲- تحلیل از آرکادی میگدال

برای توجه بیشتر به تفاوت بین فرضیه‌ها و نمودهای مورد مشاهده، اشاره به سخن آرکادی بی میگدال^۲ بی مناسبت نیست، وی (پیام یونسکو، ۲۹-۳۰) می‌گوید: «جریان تبدیل یک عقیده به یک حقیقت پذیرفته شده علمی، تبدیل یک فرضیه به یک قانون فیزیکی به دقت تنظیم شده، فراگردی طولانی و غالباً پریچ و خم است... نخستین مرحله از هر کار علمی عبارت است از کشیدن خط فاصلی بین حقایق بی چون و چرای علمی، و «غیر ممکنات» یا چیزهایی که با نتایج آزمایش‌های مکرر علمی در تضاد قرار دارند. مابین این دو حوزه، یک حوزه بلا تکلیفی نیز هست که مشتمل است بر پدیده‌هایی که مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند ولی پیشاپیش از زمره ممکنات شمرده می‌شوند. پیش از ظهور نظریه نسبیت اینشتین، منطقی بود که انسان تصور کند قوانین مکانیک و الکترودینامیک که در مورد سرعت‌های عادی امتحان خود را داده بودند، برای سرعت‌های بالا نیز صادقند. تنها هنگامی که آزمایش‌های علمی، این فرضیه را نقض کرد، در مورد صحت آن تردید پیدا شد. نمونه‌های بسیاری هست از اینکه چگونه عقاید از پیش پذیرفته، باعث کندی پیشرفت علم شده‌اند. خالق پرآوازه نظریه نسبیت نیز خود، اشتباهی از این دست کرد و هنگامی که در پی ساختن یک دستگاه نظری جدید در باب

۱. برای تحقیق در این زمینه، کتاب *من علم الطب القرآنی اثر عدنان شریف*، می‌تواند مناسب باشد.

۲. Arkadii B. Migdal دانشمند برجسته شوروی سابق در فیزیک نظری، عضو «فرهنگستان علوم اتحاد شوروی» و «مشاور انستیتو فیزیک نظری لاندائو» است او که در زمینه نظریه ذرات اولیه و هسته‌های اتمی متخصص است تاکنون بیش از ۱۵۰ مقاله و ۵ کتاب نوشته است. کتاب وی به نام *روشهای کیفی در نظریه کوانتوم* در سال ۱۹۷۷ توسط انتشارات بنجامین کامینگز در ایالات متحده منتشر شده است.

کیهان‌شناسی بود، بر مبنای عقیده‌ای از پیش پذیرفته، به نتیجه‌ای نادرست رسید.^۱ چند مورد از خطاهای علمی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و نتایجی در جهت بهبود روش‌شناسی علمی از آنها استخراج شده است که یکی از بی‌چون و چراترین آن نتایج این است که در حوزه‌هایی که هنوز مورد مطالعه کافی قرار نگرفته است، دانشمندان نباید بطور مطلق موضع‌گیری کنند. باری علم، خود را به پژوهش در حوزه‌ممکنات محدود نمی‌کند بلکه قضایایی را که به سر حد اثبات نیز رسیده‌اند مورد مطالعه، کنکاش و نقد قرار می‌دهد و بدین وسیله توجه دانشمندان را به قضایایی که محتاج پژوهش‌های بیشتر است جلب می‌کند.

۱-۵-۳- نمونه‌ای از تبدیل یک فرضیه به نمودی قابل مشاهده

پس از آنکه اینشتین (۱۸۷۹-۱۹۵۵) نشان داد که قوانین هندسه اقلیدسی، در مجاورت اجرام عظیم مصداق ندارد، بر آن شد که گام بی‌باکانه‌ای به پیش بردارد. او نظریه حوزه جاذبه خود را در توضیح کیهان به کار بست و در این کار، طرز واقعی پراکندگی اجرام را در فضا به کنار نهاد، در عوض، چنانکه در مطالعه گازها معمول است، مفهوم تراکم متوسط ماده را اختیار کرد. اما معلوم شد که کار بست معادلات جاذبه در توضیح کیهان، به همین سادگی امکان‌پذیر نیست. اینشتین کیهان را دستگاه بسته و محدودی می‌پنداشت که شعاع انحنای آن، مستقل از زمان است. پس به منظور یافتن راه حلی که با این توصیف وی از کیهان، جور در بیاید، به طور مصنوعی یک عامل اضافی (به نام ضریب ثابت کیهان‌شناسی) را وارد معادلات جاذبه خود کرد که هماهنگی آنها را بر هم زد. مقارن همین احوال، یک ریاضیدان برجسته اهل پتروگراد به نام «الکساندر فریدمان» مشغول مطالعه درباره امکانات مختلف حل معادلات اینشتین بدون وارد کردن این عامل اضافی بود. وی به این نتیجه رسید که کیهان در حال گسترش است و با صرف نظر کردن از قبول مدلی «بسته» برای کیهان، می‌توان برای مقادیر معینی از تراکم متوسط جرم، به مدلی «باز» قائل شد که بر طبق آن، ابعاد کیهان به طور نامحدودی گسترش خواهد یافت. اینشتین در ابتدا کار فریدمان را مورد انتقاد قرار می‌داد اما بعدها کاملاً نظر

۱- ذیل عنوان بعد به آن اشاره می‌شود.

او را تأیید کرده، موضوع وارد کردن یک عامل اضافی را به معادلات جاذبه خود کنار گذاشت.

اینشتین می‌نویسد: «پس از خواندن نامه فریدمان که آقای کروتکوف [فیزیکدان روس] برایم فرستاد، اکنون دیگر متقاعد شده‌ام که انتقادهای من از وی مبتنی بر اشتباه محاسبه بوده است. من فکر می‌کنم نتایجی که فریدمان بدست آورده، درست است و پرتو جدیدی بر این مسأله افکنده است».^۱

نظر فریدمان در تجربه نیز تأیید شد و این هنگامی بود که منجم آمریکایی ادوین هابل^۲ اثبات کرد که کهکشانها در حال دور شدن از یکدیگرند.^۳ (همان و نیز نک: مالک، ۳۸۴).

۲- بررسی نظری رابطه قرآن و علوم تجربی

۲-۱- امکان توجیه علمی

برای پایان دادن به نزاع حامیان و مخالفان توجیه علمی اعجاز باید ببینیم بین قرآن به عنوان مجموعه‌ای از عبارات و الفاظ دال بر معانی ویژه و جهان علم با مجموعه‌ای از فرضیه‌ها، تئوری‌ها، قوانین و مشاهدات عینی، اولاً آیا رابطه‌ای قابل اعتنا وجود دارد یا نه، ثانیاً اگر رابطه‌ای به چشم می‌خورد آیا از نوع هماهنگی مستمر است یا شکلی دیگر دارد؟

از نظر علم، وجود یک پدیده یا یک حقیقت ممکن است قطعی و احیاناً مورد مشاهده و یا مشکوک و مورد تردید باشد. حال اگر ردپای آن پدیده در عبارات قرآنی نیز به چشم بخورد، باید در نظر داشت که دلالت الفاظ قرآن بر وجود آن پدیده نیز می‌تواند جنبه احتمالی یا قطعی داشته باشد، از این رو چهار حالت متمایز، قابل پیش بینی است: ۱- از نظر علم روز جنبه احتمالی دارد، دلالت عبارات قرآن هم بر آن احتمالی است.

۱. فریدمان کمی پیش از آنکه در سال ۱۹۲۵ به مرگی زودرس درگذرد، از این اظهارات آگاه شد.

۲. در حال حاضر بزرگترین تلسکوپ جهان، بنام اوست. Edwin_Hubble (۱۸۸۹-۱۹۳۵).

۳. کشیش لومته Lemaiter ریاضیدان بلژیکی با استنباط از نظریه هابل موفق به ادامه نظریه امتداد جهان گردید.

۲- از نظر علم، قطعی و احياناً مورد مشاهده است اما دلالت عبارات قرآن بر آن قطعی نیست.

۳- از دیدگاه علم، جنبه احتمالی دارد اما دلالت عبارت قرآن بر آن قطعی است.

۴- هم به لحاظ علمی، قطعی و احياناً قابل مشاهده است و هم دلالت عبارات قرآن بر آن، قطعی است.

در حالت اول و دوم، توجیه علمی اعجاز قرآن، امکان‌پذیر نیست و اگر بر فرض، چنین وضعی بر سراسر قرآن حکمفرما باشد، هرگز در این باره کاربردی نخواهد داشت و نمی‌توان بر آن تکیه زد.

در حالت چهارم، توجیه علمی، قطعاً امکان‌پذیر است و هر قدر بر تعداد مواردی از این قبیل افزوده شود، از قوت و قدرت بیشتری برخوردار خواهد بود، اما حالت سوم، در حال حاضر برای چنین توجیهی، کاربرد ندارد ولی می‌تواند برای دانشمندان معتقد به قرآن، سرنخ مناسبی در تحقیقات علمی به شمار رود و چنانکه موفق شوند قطعیت آن پدیده یا حقیقت آن را به اثبات رسانند، بویژه اگر امکان مشاهده عینی آن را فراهم سازند، نه تنها در حرکت علمی خود گامی برداشته‌اند، بلکه بر مصادیق توجیه علمی اعجاز قرآن هم افزوده‌اند.

بوکای (ص ۱۷۵) در همین زمینه می‌نویسد: «من در جستجوی این نیز بوده‌ام که آیا در قرآن، اشاراتی به پدیده‌هایی که بشر قابلیت درکشان را دارد لیکن هنوز از سوی دانش نو تأیید نشده است وجود دارد؟ و فکر می‌کنم دریافته باشم که قرآن اشاراتی راجع به وجود سیاراتی شبیه زمین در جهان دارد (الطلاق / ۱۲). لازم به تذکر است که چندین دانشمند این امر را کاملاً مقرون به حقیقت تلقی می‌کنند، بدون اینکه معلومات جدید بتواند کمترین یقین را بیاورد لیکن رأیم بر این قرار گرفت که مطلب مزبور را با قید احتیاط تذکر دهم. اگر این بررسی را ۳۰ سال پیش شروع کرده بودم، می‌بایستی واقعیت دیگری را که قرآن اعلام داشته، به آنچه در مورد نجوم گفته شد می‌افزودم و آن تسخیر فضا است. در آن موقع در نتیجه نخستین آزمایشهای موشک فضاپیما به نظر رسید شاید روزی بیاید که انسان واجد امکانات مادی لازم برای گریز از حول و حوش زمین شود و به تفحص در فضا پردازد. آنگاه پی می‌برند آیه‌ای در قرآن وجود دارد (الرحمان / ۳۳)

که پیشگویی می‌کند روزی بشر به چنین پیروزی دست خواهد یافت. این پیشگویی اینک تحقق یافته است».

۳- بررسی عینی توجیه علمی

۱-۳- نمونه‌ای از مصادیق، قرآن و پدیده گسترش کیهان

به عنوان یکی از مصادیق حالت چهارم می‌توان شاهد تصریح قرآن به پدیده گسترش کیهان و دور شدن کهکشانها از یکدیگر بود به طوری که برای هیچ فرد منصف و بی طرفی جای کمترین شبهه‌ای باقی نمی‌ماند. قرآن در عبارتی کوتاه بدون هیچ تکلفی این نمود قطعی و مورد مشاهده علمی را گوشزد نموده است آنجا که می‌گوید: *والسمااء بنیناها بأیید و انا لموسعون (الذاریات / ۴۷)*^۱

به طوری که ملاحظه می‌شود برپایی آسمان را با فعل ماضی ذکر نموده اما برای بیان وسعت بخشیدن و گسترش آن نمی‌گوید: «اوسعناها» و آن را به صورت کاری که در گذشته آغاز شده و پایان پذیرفته است، یاد نمی‌کند بلکه می‌گوید: «و انا لموسعون» تا مفهوم حال استمراری از آن فهمیده شود، و در زمان حاضر نیز صادق باشد.

۲-۳- اشاره‌ای به فرضیه لفافه‌های بیانی در قرآن

با توجه به اینکه پدیده گسترش کیهان، یکی از جدیدترین نمودهای مورد مشاهده قرن حاضر است و قرآن در ۱۴۰۰ سال پیش خیلی بی‌سر و صدا آن را گوشزد نموده، آیا لزومی داشت آورنده قرآن که با چنین اطمینانی از آن یاد می‌کند اصراری بر تفهیم موضوع به اهل زمان خویش داشته باشد؟ مسلماً نه زیرا اگر از منظور او دقیقاً مطلع می‌شدند، هیچ ابزار آزمایش و تلسکوپ پیشرفته‌ای وجود نداشت که بتوان به یاری آن، حقانیت چنین نظریه‌ای را ثابت نمود و تفسیر دقیق موضوع، نتیجه عکس به بار می‌آورد

۱. برخی از کتب و تفاسیری که این پدیده را به عنوان اعجاز علمی قرآن پذیرفته و یا از این زاویه به موضوع پرداخته‌اند به قرار زیر است: کشف الحقایق، ۳/۴۲۱ ش ۲؛ المیزان، ۱۸/۴۱۳؛ احسن الحدیث، ۱۰/۳۵۳؛ تقریب القرآن، ۲۷/۱۶؛ من وحی القرآن، ۲۱/۲۵۹؛ من هدی القرآن، ۱۴/۶۰؛ با نقل نظرات از الذرة الى النجم، الکاشف، ۷/۱۵۵ با نقل نظرات از التکامل فی الاسلام، ۳/۶۷.

یعنی کسانی که می‌گفتند: انه لمجنون (القلم/ ۵۱) با استفاده از بیان آنچه در آن عصر قابل فهم یا اثبات نبوده، برای تبلیغ علیه او و افکارش دست به کار می‌شدند، از این رو چون این پیام خاص تعلقی به آنها ندارد، با استفاده از یک لفافه بیانی ذهن آنان را از این امر منصرف می‌سازد. یعنی به جای اینکه بگوید و نوسعهها می‌گوید: و انا لموسعون تا معنای ثانوی «موسع»^۱ یعنی «توانگر» مانع از توجه به موضوع وسعت یافتن و گسترش باشد و جلب توجه نداشته باشد.

جالب است که بر خلاف معمول کاشفان و نوایغ علم، چه در این مورد و چه در موارد دیگر،^۲ آورنده قرآن نه تنها هیاهویی ندارد و جار و جنجالی برپا نمی‌کند تا بتواند آرای علمی خود را به اثبات برساند بلکه بنا به ضرورت، سرپوشی مناسب بر آن می‌نهد تا ذهن اهل زمان که هنوز آمادگی ندارد برآشفته نشود و هنگامی که شرایط فراهم گردد، پیشرفت علم از آن پرده بردارد و از این طریق حقانیت کتابش برای دانشمندان و نیز دیگران ثابت گردد.^۳ البته همواره در چنین مواردی قرینه‌ای مناسب برای تشخیص لفافه پیش بینی شده است. گاهی نیز تصور نادرست اهل زمان از یک پدیده علمی، قرآن را از

۱. اسامی برخی از تفاسیری که بر اعجاز علمی اشاره نداشته و موسع را به معنی غیر علمی آن گرفته‌اند: گازر، ۲۲۴/۹؛ مواهب علیه، ۲۱۱/۴؛ منهج الصادقین، ۴۷/۹؛ و خلاصه آن، ۲۷/۶، شریف لاهیجی، ۲۶۶/۴؛ اثنی عشری، ۷۹/۱۲؛ مخزن العرفان، ۳۲۶/۶؛ عاملی، ۶۲/۸؛ روان جاوید، ۶۹/۵؛ اطیب البیان، ۲۸۳/۱۲؛ قمی، ۳۳۰/۲؛ تبیان، ۳۹۴/۹؛ مجمع البیان، ۱۶۰/۵؛ و مختصر آن، ۳۲۹/۳، جوامع الجامع، ۶۷/۴؛ الصافی، ۷۳/۵؛ البرهان، ۲۳۵/۵؛ نور الثقلین، ۱۲۹/۵؛ المعین، ۱۴۱۲/۳؛ کنزالدقایق، ۴۲۹/۱۲؛ شبر، ۵۲۲/۱؛ الجوهر الثمین، ۸۸/۶؛ بیان السعادة، ۱۱۵/۴؛ مقتنیات الدرر، ۲۳۴/۱۰؛ الجدید، ۳۰/۷، المنیر، ۳۲۶/۷.

۲. مانند گنجاندن آیه «۸۸ سوره نمل» لابلای آیات مرتبط با قیامت و طرح موضوع حرکت زمین به طور همه جانبه در ظریف‌ترین شکل ممکن، که در فرصتی مناسب موشکافی خواهد شد.

۳. باید توجه داشت که تمامی لفافه‌ها لزوماً در خدمت توجیه علمی نیست بلکه در ورای بخش قابل ملاحظه‌ای از آنها، می‌توان انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی را شناسایی نمود، از قبیل تغییر ضمائر در آیه تطهیر (الاحزاب / ۳۳) و گنجاندن آیه اکمال (المائده / ۳) لابلای بعضی از آیات احکام، تا امکان توجیه و تفسیر آیه به صورت مقبول نیروهای حاکم بر جامعه، باعث انصراف ایشان از اقدام به تحریف در الفاظ گردد و وعده داده شده در آیه نهم سوره حجر تحقق یابد.

استخدام لفافه‌ها بی نیاز نموده است از قبیل طرح موضوع حرکت طولی خورشید ضمن آیه سی و هشتم سوره یس که تا مدتی مدید حمل بر حرکتی می شد که به غلط برای خورشید قائل بودند.

۴- برداشتی از آرای قرآن در زمینه توجیه علمی و تبیین حقانیت

۴-۱- پیشگویی جهش علمی بشریت و تمهید زمینه‌های توجیه علمی

خود قرآن نیز فرا رسیدن زمان فهم حقانیت خویش را از رهگذر شکوفایی و بلوغ علم تصریح نموده و می‌گوید: سنریم آیاتنا فی الأفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق، اولم یکف بربک انه علی کل شیء شهید (فصلت / ۵۳) این آیه، یک سؤال روشن در اذهان کنجکاو پدید می‌آورد و آن اینکه، چه رابطه‌ای بین ارائه آیات و پدیده‌ها در تمام افق‌ها و نیز در درون انسانها با روشن شدن حقانیت قرآن، یعنی چون با توجه به آنکه ضمیر مذکور در انه الحق به قرآن باز می‌گردد (طبرسی، ۱۹/۵؛ شبر، ۴۸۱/۱)، آشکار شدن پدیده‌ها در هستی و در وجود انسان، چگونه می‌تواند منجر به شناخت حقانیت قرآن شود؟ تنها راه آن است که بتوان همراه با کشف پدیده‌ها، به نمونه‌هایی از آن حقایق که در قرآن آمده اشاره کرد. باید توجه داشت خود همین نکته که «به زودی بشر در معرض شناسایی آیات و پدیده‌ها در هستی و در درون خود قرار می‌گیرد» از جمله پیشگو‌هایی است که ما اکنون شاهد تحقق آن هستیم، یعنی پیشگویی فرارسیدن عصر شکوفایی و بلوغ دانش بشری. برای اینکه در فهم منظور از آیاتنا شبهه‌ای پیش نیاید، نمونه‌هایی از آیات و پدیده‌ها گوشزد شده است: و من آیاتہ اللیل و النهار و الشمس و القمر... (فصلت / ۳۷) و من آیاتہ انک تری الارض خاشعة فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربث... (فصلت / ۳۹) و من آیاتہ خلق السموات و الارض و ما بث فیهما من دابة و هو علی جمعهم اذا یشاء قدیر (شوری / ۲۹) و من آیاتہ الجوار فی البحر کالاعلام... (شوری / ۳۲).

کما اینکه در سوره قبل از آن نیز پس از اشاره به بعضی آیات و پدیده‌ها می‌گوید: و یریکم آیاتہ فای آیات الله تنکرون (مؤمن / ۸۲). در برخی سوره‌های دیگر هم نمونه‌هایی از پدیده‌های طبیعی ذکر شده است و مانع می‌شود از اینکه مفسری (مثلاً فیض،

۵۰۵/۲) بخواهد سنریم آیاتنا را به پدیدار ساختن نشانه‌های عذاب منحصر سازد، چه بر فرض وجود روایاتی قابل اعتماد در این باره، این روایات حمل بر تکلم با مردم به قدر عقول ایشان می‌گردد؛ زیرا در آن عصر امکان فهم موضوع بصورت کنونی فراهم نبوده است.

۴-۲- از تبیین حقانیت تا حصول یقین، از علم تا عمل

جالب است که علاوه بر پیشگویی جهش علمی انسان و ظهور اعجاز علمی به این معنی، در آیه ۵۴ سوره فصلت، پیشگویی دیگری صورت گرفته که نشان می‌دهد این ارائه آیات و پدیده‌ها و روشن شدن حقانیت قرآن، جنبه اتمام حجت دارد و به این معنی نیست که همه لزوماً ایمان خواهند آورد، یعنی گرچه متوجه حقانیت آن می‌شوند اما این شناخت باعث نخواهد شد مانند یک مؤمن به قرآن، پایبند احکام آن شوند زیرا می‌گوید: *الا انهم فی مرية من لقاء ربهم، الا انه بكل شیء محیط (فصلت / ۵۴)* حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا با وجود روشن شدن حقانیت قرآن و پی بردن به اینکه کتابی الهی است، باز هم از لقای پروردگارشان در تردید هستند؟ پاسخ درآیه‌ای دیگر آمده است: *... فمن كان يرجو لقاء ربه فليعمل عملاً صالحاً و لا يشرك بعبادة ربه احداً (كهف / آخر)* یعنی وصول به لقاء از رهگذر عمل صالح توأم با اخلاص در عبادت و عشق به پروردگار میسر است و طبعاً هر چه بر میزان آن افزوده گردد، انسان به مرحله عالی تری از لقاء نایل می‌گردد.

کتابشناسی

اصفهانی، امین، مخزن العرفان در علوم قرآن، تهران، ۱۳۶۱.
 بحرانی، سید هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۴۱۵ ق.
 بوکای، موریس، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، به کوشش ذبیح الله دبیر، تهران، ۱۳۶۸.

پیام یونسکو، ویژه‌نامه اینشتین، خرداد ماه ۱۳۵۸.

ترابی، علی اکبر، فلسفه علوم، تهران، ۱۳۴۷.

ثقفی تهرانی، روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران، برهان، بی تا.

جرجانی، ابوالمحاسن، تفسیر گازر، تهران، ۱۳۳۷.

- حائری تهرانی، علی، مقتنیات الدرر و ملتقطات الثمر، تهران، ۱۳۳۷.
- حسینی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران، ۱۳۶۴.
- حویزی، عبد علی، نور الثقلین، قم، دارالکتب العلمیه، بی تا.
- خرمشاهی، بهاء الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، ۱۳۶۴.
- دانشگاه انقلاب، ش ۱۱۰، تابستان و پاییز ۱۳۷۶.
- ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، دارالکتب الحدیثه، ۱۳۹۶ق.
- سبزواری نجفی، محمد، الجدید فی تفسیر القرآن، بیروت، ۱۴۰۲ق.
- سیاسی، علی اکبر، منطق و روش شناسی، تهران، ۱۳۳۶.
- شاله، فلیسین، شناخت روش علوم، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، ۱۳۵۰.
- شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری، تهران، ۱۳۶۳.
- شبر، عبدالله، تفسیر القرآن الکریم، بیروت، ۱۴۱۲ق.
- همو، الجوهر الثمین، بیروت، ۱۴۰۷ق.
- شلتوت، محمود، تفسیر القرآن الکریم، قاهره، ۱۹۶۶.
- شیرازی، محمد حسین، تقریب القرآن الی الازهان، بیروت، ۱۴۰۰ق.
- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، قم، ۱۳۹۳ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، بیروت، ۱۳۷۹ق.
- همو، جوامع الجامع، تهران، ۱۴۱۲ق.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، بی تا.
- طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، قاهره، ۱۳۵۰ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان، قم، ۱۴۰۹ق.
- طیب، عبدالحسین، اطیب البیان، تهران، ۱۳۶۶.
- عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، مشهد و تهران، ۱۳۶۳.
- عدنان شریف، من علم الطب القرآنی، بی تا.
- علوی، محمد کریم، کشف الحقایق عن نکت الآیات و الدقایق، تهران، ۱۳۹۶ق.
- فریمن، بلگر، زندگی اینشتین، ترجمه شکوری، تهران ۱۳۴۹.
- فضل الله، محمد حسین، من وحی القرآن، بیروت، ۱۴۰۵ق.
- فیض، محسن، الصافی فی تفسیر القرآن، تهران، ۱۳۶۵.

- فیلیپ، فرانک، داستان زندگی اینشتین، ترجمه حسن صفاری، تهران، ۱۳۴۶.
- قرشی، علی اکبر، احسن الحدیث، تهران، ۱۳۶۶.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، قم، دارالکتاب، بی تا.
- قمی مشهدی، محمد، کنز الدقایق و بحر الغرائب، تهران، ۱۳۶۶.
- کاشانی، ملافتح الله، منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، ۱۳۴۴.
- کرمی، محمد، التفسیر لکتاب الله المنیر، قم، ۱۴۰۲ق.
- کیهان اندیشه، شماره ۲۸، بهمن و اسفند، ۱۳۶۸.
- گلشنی، مهدی، قرآن و علوم طبیعت، تهران، ۱۳۶۴.
- گنابادی، محمد، بیان السعادة فی مقامات العبادة، تهران، ۱۳۴۴.
- لاهیجی، بهاء الدین، تفسیر شریف لاهیجی، تهران، ۱۳۶۳.
- مالک بن نبی، الظاهرة القرآنیة، به کوشش محمود شاکر، قاهره، بی تا.
- مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن، قم، ۱۴۰۶ق.
- مغنیه، محمد جواد، الکاشف، بیروت، ۱۹۸۱.
- مهران، جمال الدین حسین، آیات من الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، مصر، ۱۹۹۲.
- ناصری، محمدباقر، مختصر مجمع البیان، قم، ۱۴۱۳ق.
- نظیری، یحیی، قرآن و پدیده‌های طبیعت از دید دانش امروز، تهران، ۱۳۵۸.